

برای رفع کار کودکان

(قسمت دوم)

ترجمه: محمدحسین حافظیان

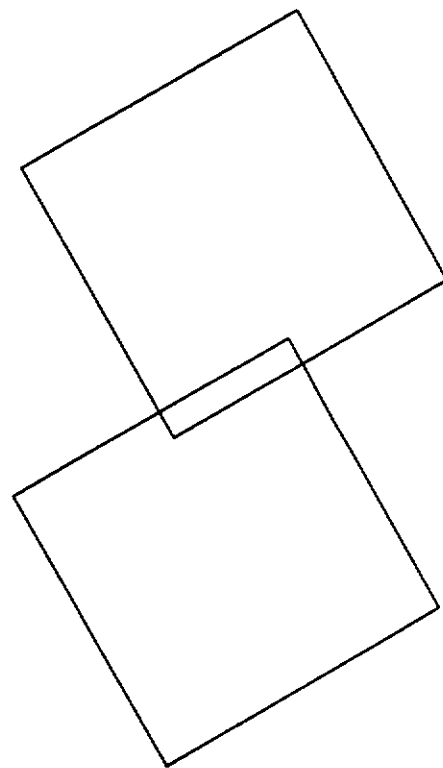
در ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد. امروزه ۹۰ کشور به مفاد یک یا چند یک از این کنوانسیونها ملزم می‌باشند. ۵۱ کشور دیگر کنوانسیون شماره ۱۳۸ را تصویب کرده‌اند، در حالی که ۱۸ کشور دیگر نیز روند تصویب را آغاز کرده یا در حال انجام آن هستند، ۱۴ کشور هم در صدد تصویب این کنوانسیون هستند. در کل، ۱۴۱ کشور از ۱۷۴ دولت عضو سازمان بین‌المللی کار هم‌اکنون دست‌کم یکی از کنوانسیونهای آن سازمان در خصوص حداقل سن کار را به تصویب رسانده‌اند. اما تا میانه سال ۱۹۹۷، تنها ۲۱ کشور در حال توسعه کنوانسیون شماره ۱۳۸ را تصویب کرده‌اند، که هیچ‌کدام آنها نیز در آسیا نیستند، در حالی که بیش از نیمی از کودکان کارگر در آنجا یافت می‌شوند.

علاوه بر این، بجز دو دولت عضو سازمان بین‌المللی کار، همه اعضا، کنوانسیون حقوق کودک، مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۱۹۸۹ را به تصویب رسانده‌اند. در کل، ۱۸۷ کشور این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند که ۹۷ درصد کودکان جهان را در بر می‌گیرد. این کنوانسیون نفوذ و اعتبار یک معاهده بین‌المللی را دارد و مفاد آن (از جمله مواد مربوط به کار کودک) بر همه

چارچوب قانونی

بیشتر کشورها قانون داخلی ای دارند که حداقل سن کار را تثبیت می‌نماید و شرایط کاری افراد کم سن و سال را قاعده‌مند می‌سازد. علاوه بر این، بسیاری از کشورها یک یا چند کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار و کنوانسیونهای ملل متحد در زمینه حقوق کودک (۱۹۸۹) را به تصویب رسانده‌اند، این بدین معنی است که کنوانسیونهایی که لازم‌الاجرا هستند بر همه دولت‌های طرف آن کنوانسیونها الزام‌آور است. هنجارهای دستوری حقوق بین‌الملل که بر همه تابعین این حقوق، همانند دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی، الزام‌آور است از کودکان در برابر کار کودک حمایت بیشتری به عمل می‌آورند. این هنجارها شامل قواعدی می‌شود که تجارت برده و برده‌داری را منع می‌کند.

در گذشته دور (در ۱۹۱۹)، کنوانسیون شماره ۵ سازمان بین‌المللی کار، کار افراد پایتتر از ۱۴ سال را در مؤسسات صنعتی ممنوع ساخت. ۹ کنوانسیون بخشی درباره حداقل سن کار بعداً به تصویب رسید تا اینکه کنوانسیون شماره ۱۳۸ حداقل سن (۱۹۷۳) به همراه توصیه‌نامه شماره ۱۴۶



طرفهای آن الزام آور است. از آنجا که دامنه حق کودک برای محافظت شدن از بهره‌کشی اقتصادی با ارجاع به «مفاد مربوطه دیگر اسناد بین‌المللی» تعیین می‌شود، می‌توان تصور کرد که هرگونه کاری که کودکان در شرایطی پست‌تر از شرایط وضع‌گشته توسط ملل متحد یا سازمان بین‌المللی کار انجام دهند باید بهره‌کشی اقتصادی قلمداد شود.

اشکال: تحمل‌ناپذیر کار کودک تا حدی زیر پوشش کنوانسیون کار اجباری (۱۹۳۰) قرار می‌گیرد که به تصویب ۱۳۶ کشور رسیده است. آن رویه‌های کار کودک که به کار اجباری بالغ می‌شود در چارچوب این عبارت کنوانسیون قرار می‌گیرد - یعنی «هر کار یا خدمتی که از فردی به زور و براساس تهدید به مجازات گرفته می‌شود و مزد یاد شده کار خود را بدان منظور داوطلبانه ارائه نکرده است». بیگاری، قاچاق کودکان جهت به کار گماردن، و یا روسپی‌گری زیر پوشش این کنوانسیون هستند، اما دیگر اشکال کار زیان‌آور کودک از آن بیرون می‌مانند.

احتمالاً در چند سال آینده تحولات و پیشرفتهای بیشتری در این زمینه در حقوق بین‌الملل صورت خواهد گرفت. هیأت مدیره سازمان بین‌المللی کار، کار کودکان را در دستور کار اجلاس ۱۹۹۸ کنفرانس بین‌المللی کار قرار داده، و در آن نیم‌نگاهی به تصویب ضوابط بین‌المللی تازه داشته است. هدف از این کار، ایجاد یک سند الزام‌آور است که تحمل‌ناپذیرترین اشکال کار کودک (تحت شرایط بردگی، کار اجباری، و یا بیگاری؛ روسپی‌گری و دیگر اعمال جنسی غیر قانونی؛ و کار برای قاچاق مواد مخدر و یا در تولید هرزه‌نگاری) را منع

سازد. همچنین فعالیت‌هایی هست که کودکان را در معرض خطرات بسیار وخیم نسبت به ایمنی یا تندرستی آنها قرار می‌دهد یا آنان را از حضور عادی در مدرسه باز می‌دارد.

قوانین داخلی اغلب اشتغال به کشاورزی و کار خانگی را معاف می‌دارند و کلاً بیشتر در بخش رسمی قابل اجرا می‌باشند. بدین ترتیب، این نکته تبیین می‌شود که چرا تنها نسبت اندکی از کودکان در اشتغال رسمی یافت می‌شوند. در حالی که قانونگذاری و اجرای کافی و مناسب آن می‌تواند نقش مهمی در این باره ایفا نماید، اجرای این قوانین در بیرون از بخش رسمی،

گسترش فرصت‌های تحصیلی از راه آموزش در ساعات بیکاری، آرایه خدمات حمایتی به والدین، پیشبرد اجرای دقیق‌تر قوانین علیه قاچاقچیان کودکان، آرایه خدمات به کودکان خیابانی - بالا بردن سن ازدواج و دیگرگون ساختن ارزش‌های فرهنگی و هنرهای اجتماعی نمونه‌ای از مواردی است که یونسف برای دفاع از منافع کودکان پیشنهاد نموده است.

اغلب غیر عملی است و یک وسیله کم‌هزینه برای حفاظت از کودکان کارگری که بیش از همه نیازمند یاری هستند نمی‌باشد.

موضع سازمانهای بین‌المللی

وظیفه سایر سازمانهای بین‌المللی تخصصی، محدودتر از وظیفه بانک جهانی است، و این امر به آنها مجال می‌دهد که رهیافت متمرکزی نسبت به کار کودک یا مسائل کودکان به‌طور کلی داشته باشند. برای نمونه، یونسکو با آموزش سروکار دارد، مسؤلیت جهانی بهبود وضعیت کودکان با یونسف است؛ و سازمان بین‌المللی کار نیز با اشتغال و موضوعات عمومی‌تر مربوط به کار بر پایه‌ای سه‌جانبه سروکار دارد، در حالی که مقصود بانک کمک به اعضای وام‌گیرنده‌اش در جهت بازسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها می‌باشد. علاوه بر این، در حالی که بانک جهانی مجبور است به‌خاطر الزامات مواد موافقت‌نامه‌اش رهیافتی اقتصادی پیش‌گیرد، انگیزه دیگر سازمانها می‌تواند جنبه کلی حقوق بشر باشد. با این حال، هم‌اکنون اجماع و توافق نظری پدید آمده که همکاری و مشارکت در سطح بین‌المللی و کشوری پیش‌شرط مبارزه با کار کودکان می‌باشد، و همکاری با بانک جهانی جهت این هدف چیزی است که اغلب مورد درخواست می‌باشد. همان‌طور که بحث بعدی نشان می‌دهد، همگرایی بین‌المللی دیدگاهها درباره کار کودک رو به افزایش است.

کار کودکان در گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۵ به بحث گذارده شد، در آنجا به محدودیتهای قانونگذاری و اهمیت فقر به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده کار کودک اشاره گردید. گزارش مزبور خواستار رهیافتی چندبعدی در خصوص برنامه‌هایی گردید که بر افزایش امنیت درآمدها، کاهش هزینه‌های تحصیلی، و بهبود کیفیت مدارس، تأکید دارند. این گزارش به نتیجه

رسید: «به موازاتی که رویداد فقر کاهش می‌یابد و آموزش بهبود می‌یابد، کار کودکان پایین خواهد آمد. این امر به نوبه خود اجرای ممنوعیتهای قانونی را آسانتر خواهد ساخت، ممنوعیتی که با اشکال بسیار تفرانگیز کار کودک در جهان همچون روسپی‌گری و کار خطرناک آغاز می‌گردد.»

توافق قابل ملاحظه‌ای در این باره هست که چرا کودکان به کار می‌پردازند و نیز بر سر این واقعیت که نمی‌توان کار کودک را جدای از مسائل تحصیل و جمعیت مورد ملاحظه قرار داد.

«فقر یگانه نیروی عظیمی است که موجب راندن کودکان به محیط کار می‌شود... نیاز شدید، سرمایه‌گذاری در تحصیل کودکان را برای خانواده‌ها تقریباً غیرممکن می‌سازد و بهای تحصیلات می‌تواند بسیار بالا باشد زیرا بیشتر وقتها تحصیلات عمومی رایگان نیز در عمل برای یک خانواده فقیر بسیار گران تمام می‌شود... خانوارهای فقیرگرایش دارند فرزندان بیشتری داشته باشند و بزرگی اندازه خانواده از لحاظ آماری نه تنها با احتمال بالاتر اینکه کودکان به کار وادار شوند، بلکه همچنین با اشتغال به تحصیل و تکمیل تحصیل پایتتر، مرتبط دانسته شده است.» (گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۶).

بنابراین آثار رشد اقتصادی و کاهش فقر، گسترش آموزش، و کنترل رشد جمعیت بر کار کودکان، آشکارا مورد تصدیق است، و در این حوزه‌ها بانک جهانی می‌تواند کمک شایان توجهی بنماید. به‌ویژه «تنها شیوه بسیار کارآمد جهت جلوگیری از ورود کودکان در سن مدرسه به اشکال نابهنجار اشتغال، بسط و



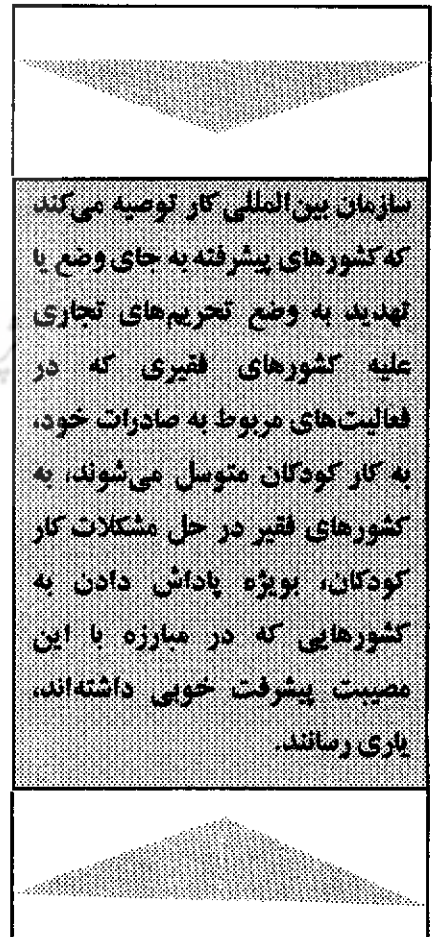
است، پردازند.

به همین ترتیب، گزارش همکاری توسعه متعلق به کمیته کمک توسعه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه رهیافت یکپارچه‌ای را برای کاستن از کار کودک مطرح می‌سازد، این رهیافت شامل این موارد می‌شود: تأکید فراگیر بر تخفیف فقر، سرمایه‌گذاری سنگین در آموزش و پرورش، تقویت مشارکت زنان در توسعه اقتصادی، توسعه بخش خصوصی، و مداخله بیشتر جامعه مدنی.

یونیسف یک «فهرست آزمایشی» از

بهبود آموزش مدرسه‌ای می‌باشد چون این کار آنها را جذب و حفظ خواهد کرد.» مجموعه پژوهشهای قابل ملاحظه‌ای که صورت گرفته نشان می‌دهد که افزودن بر تناسب تحصیلات، دورنمای اشتغال آینده کودکان را افزایش می‌دهد و مدارس را جذاب‌تر می‌سازد. همچنین اگرچه حضور در مدرسه همیشه کودکان را از کار برکنار نمی‌دارد، شواهدی هست که کودکان مدرسه‌ای کمتر تمایل دارند به اینکه به بیگاری یا به‌ویژه اشکال زیانبار کار، که بیشتر آنها با حضور منظم در مدرسه مغایر

انتخابهای استراتژیک تهیه کرده است که می‌تواند در خدمت «منافع عالی‌ه کودکان» قرار گیرد. این فهرست در خصوص کار کودک و دیگر اشکال بهره‌کشی اقتصادی از کودکان، این موارد را شامل می‌شود: گسترش فرصتهای تحصیلی از راه «آموزش در ساعات بیکاری» برای حضور مرتب در مدرسه و یا از راه ارائه آموزش مدرسه‌ای در محیط کار، ارائه خدمات حمایتی به والدین، به‌ویژه به مادران، پیشبرد اجرای دقیقتر قوانین علیه قاچاقچیان و آنانی که کودکان را به بیگاری می‌گیرند، ارائه خدمات به کودکانی که در خیابانها کار می‌کنند، بالا بردن سن ازدواج، و دگرگون ساختن آن ارزشهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی که بهره‌کشی اقتصادی از کودکان را تحمل می‌کنند.



سازمان بین‌المللی کار اقدامات در سطح کشوری و ارتقا همکاری بین‌المللی را پیشنهاد می‌نماید. در سطح کشوری، سازمان خواستار یک استراتژی ملی و تدابیر مشخصی جهت مبارزه با کار کودکان می‌گردد. استراتژی ملی باید عناصر متعددی داشته باشد، از جمله، بهبود پایگاههای اطلاعاتی در مورد کار کودکان تا آگاهی و شناخت بهتری از وضعیت موجود، ممکن گردد؛ ایجاد یک برنامه اقدام ملی علیه کار کودک؛ بالا بردن آگاهی در زمینه مسأله کار کودک؛ ایجاد یک اتحاد اجتماعی گسترده علیه کار کودک؛ و ایجاد اهلیت نهادی برای برخورد با مسأله کار کودک. تازه‌ترین گزارش سازمان بین‌المللی کار درباره کار کودکان از کشورهایی که کنوانسیونهای مربوطه سازمان یا کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق کودک را امضا کرده‌اند می‌خواهد تا برنامه‌ها، اقدام زمان‌مندی را برای حذف کار کودک اتخاذ نمایند.

تدابیر خاصی که سازمان بین‌المللی کار پیشنهاد کرده عبارتند از ارتقا قانونگذاری در مورد کار کودکان و تدابیر اجرایی در این زمینه؛ گسترش و ارتقا آموزش مدرسه‌ای برای فقرا؛ و به‌کارگیری انگیزه‌های اقتصادی «مثبت» برای کاستن از عرضه کار کودک. با کمال شگفتی، سازمان درخصوص به‌کارگیری انگیزه‌های «منفی» (همچون تحریمهای تجاری) و آثار ناخواسته آن بر کودکان کارگر هشدار می‌دهد. سازمان خواستار بررسی بیشتر این پیشنهاد می‌گردد که «به‌جای وضع یا تهدید به وضع تحریمهای تجاری علیه کشورهای فقیری که در فعالیتهای مربوط به صادرات خود به کار کودکان متوسل می‌شوند، کشورهای پیشرفته باید به این کشورهای فقیر در حل مشکلات کار کودک، هم در فعالیتهای

مربوط به صادرات و هم در بخشهای اقتصادی داخلی یاری رسانند، این مساعدت باید پاداشهای ویژه در زمینه تجارت را به هنگامی که ثابت شد این کشورها در نبرد خود علیه این مصیبت به پیشرفت خوبی یافته‌اند شامل گردد». سازمان بین‌المللی کار در خصوص فعالیتهای بین‌المللی و نقش خود آن سازمان، فعالیتهای بیشتر در زمینه ضوابط و اسناد تازه؛ بخش اطلاعات و انجام پژوهش عملگرایانه؛ افزایش همکاری فنی؛ و افزایش همکاری با دیگر سازمانهای بین‌المللی کار را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. سازمان تجارت جهانی در آخرین کنفرانس وزرا (دسامبر ۱۹۹۶)، این مسأله را به بحث گذارد که آیا ضوابط حیاتی کار، از جمله ضوابط مربوط به کار کودکان، باید به‌صورت بخشی از علائق آن سازمان در آید یا خیر. پس از مباحثات بسیار، بر سر چهار نکته توافق حاصل شد:

- همه اعضای سازمان تجارت جهانی با اعمال ناهنجار محیط کار از راه تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ملل متحد مخالفت می‌نمایند؛
 - سازمان بین‌المللی کار مسؤلیت اساسی امور کار را بر عهده دارد؛
 - برای برخورد با اختلافات بر سر ضوابط کار نباید از تحریمهای تجاری استفاده کرد؛
 - دولتهای عضو توافق می‌نمایند که مزایای نسبی کشورهایی که دستمزد پایبندی می‌دهند نباید به مخاطره افکنده شود.
- رهیافتهایی چند برای مبارزه با کودک ارائه گشته است. مهمترین پیشنهادها عبارتند از: کاهش فقر، آموزش کودکان، ارائه خدمات حمایتی برای کودکان کارگر، افزایش آگاهی

عمومی، قانونمندی سازی و تنظیم کار کودکان، و پیشبرد رفع کار زیان آور کودک از راه اقدامات بین المللی. البته این رهیافتها مانعاً الجمع نیستند و در آمیزه‌هایی متنوع در استراتژیهای کاهش کار کودک اتخاذ می‌گردند.

با این حال، بانک جهانی نمی‌تواند همه این رهیافتها را برگزیند، به‌ویژه، قانونگذاری و تنظیم مقررات، کار حکومتهاست، هرچند بانک می‌تواند این امر را در گفتگوی با کشورها به بحث بگذارد. در همین حال تحریمهای تجاری و دیگر تدابیر بین المللی بیرون از حوزه وظایف بانک می‌باشد.

کاهش فقر

عموماً این مسأله مورد پذیرش است که فقر جهان گستر، عامل عمده کار زیان بار کودک در کشورهای درحال توسعه می‌باشد. در خانوارهای فقیر، ممکن است که کودکان بخش مهمی از درآمد خانوار را تأمین نمایند، این بدین معناست که از آنجا که این خانوارها بیشتر درآمد خود را صرف غذا می‌کنند، درآمد ناشی از کار کودکان می‌تواند برای زندگی نقش حیاتی داشته باشد. برنامه‌هایی که درآمدهای کاری فقرا را بهبود بخشد، نقایص بازار سرمایه را رفع کند، و شبکه‌های ایمنی را ارائه نماید، در اینجا بطور ویژه‌ای ضرورت دارند. توافق نظر در این باره بسیار دامن‌گستر است که کاهش فقر نیرومندترین رهیافت بلند مدت می‌باشد. اما این روندی طولانی است که هنگامی که به موفقیت بیانجامد، در عمل به افزایش ناهمگون درآمد فقرا منجر خواهد شد، و بدین ترتیب اساساً فضا برای رویداد کار کودکان تا مدت زمانی درآینده باقی خواهد ماند.

آموزش کودکان

روشهای اخلاقی که به قصد افزایش شرکت کودکان در تحصیلات ابتدایی صورت می‌گیرد نیز از پشتیبانی گسترده‌ای برخوردارند،

از دیگر اقداماتی که برای رفع مستقیم کار کودکان در نظر گرفته شده، نجات کودکان واقع در شرایط وحشی، توسط سازمانهای غیر حکومتی و ایجاد اردوگاه‌های انگیزی است.

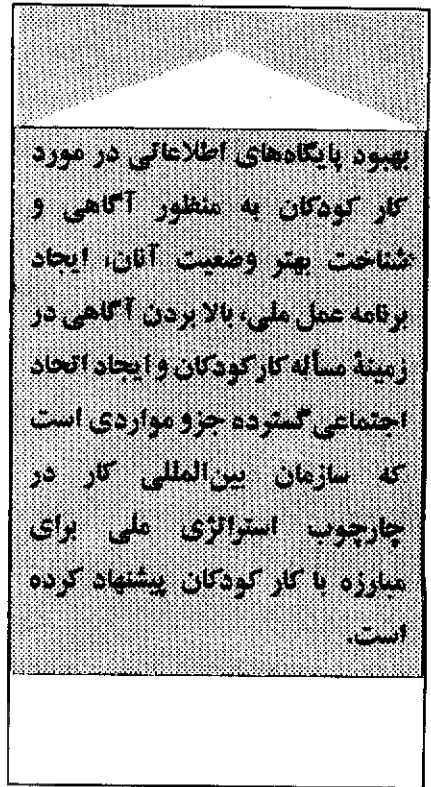
به‌ویژه اگر این اقدامات در یک استراتژی کاهش فقر ریشه داشته باشند. این مداخلات توسعه سرمایه انسانی را با پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مثبت تقویت می‌کنند. با اینحال، تأثیر آن بر کودک احتمالاً به ماهیت مداخله بستگی دارد. سه رهیافت در این زمینه وجود دارد: اجباری ساختن تحصیلات ابتدایی - آسانتر ساختن حضور کودکان در مدرسه و کار بطور همزمان و کاستن از هزینه

تنها شیوه بسیار کارآمد جهت جلوگیری از ورود کودکان در سن مدرسه به اشکال ناپهناج، اشتغال، بسط و بهبود آموزش مدرسه‌ای است، چون این کار آنها را جذب و حفظ خواهد کرد.

حضور کودکان در مدرسه برای خانوارها. اجباری ساختن تحصیلات ابتدایی در عین حال که به دلایل دیگر بسیار مطلوب است، نمی‌تواند در کاهش کار کودک چندان سودمند باشد، اگر فشارهایی که کودکان را،

ازکار به دور نگه می‌دارد به اندازه کافی نیرومند و امور اجرایی ضعیف باشد، اجرای نیرومند قوانین می‌تواند به کاهش کار کودک بیانجامد، لیکن رفاه خانوارهای فقیرتری را که شدیداً به این منبع درآمدی وابسته‌اند نیز می‌تواند به خطر اندازد. تحصیل اجباری یک عمل دفاعی مهم در برابر بردگی کودکان و زیان‌بارترین اشکال کار کودک می‌باشد، زیرا کودکان مجبورند برای حضور در مدرسه آزاد باشند، لیکن همچنین بر خطر وارد آمدن بار اضافی بر کودکانی که در ساعات غیرمدرسه به کار می‌پردازند، می‌افزاید. آسانتر کردن حضور کودکان در کار و مدرسه راه‌حلی مطلوب است و به‌ویژه در مناطق روستایی در صورتی ضروری و مناسب می‌نماید که بتوان اوقات مدرسه را به گونه‌ای زمان بندی کرد که با فصل اوج کشاورزی در تعارض قرار نگیرد. این اصل در کراالا (هند) و یتنام با موفقیت به کار بسته شد. با اینحال، این کار می‌تواند سال تحصیلی را بسیار کوتاه نماید - برای نمونه، در کراالا بیش از ۲۰۰ روز در سال، مدارس بسته است. راه حل جایگزین این روش در مناطق روستایی و شهری، برپا کردن کلاسهای شبانه است، هرچند تشکیل آنها تنها برای کودکان کارگر دشوار است.

کاهش هزینه‌های تحصیل راه حل دیگر این مشکل می‌باشد، زیرا این امر، به خانوارها انگیزه می‌دهد عرضه کار کودک را به سوی تحصیل منحرف سازند. این کار می‌تواند شکل سوبسیدهای تحصیلی همچون بورس تحصیلی، تهیه کالاهای آموزشی، برنامه‌های تغذیه در مدارس، و تدارک مهد کودک را به خود بگیرد تا بدین ترتیب برای نمونه دختران مجبور نشوند



مراقبت از برادران و خواهران کوچکتر خود را برعهده بگیرند. مشکل اصلی این رهیافت، هزینه‌های این اقدامات و پایداری انجام آنها می‌باشد. همچنین گرایشی هست که میل دارد تنها خانوارهایی را که از پیش قصد فرستادن فرزندان خود به مدرسه را داشته‌اند تحت تأثیر قرار دهند و در همان حال رفتار دیگر خانوارها را دست نخورده باقی بگذارند.

ارائه خدمات حمایتی برای کودکان کارگر

بیشتر این گونه ابتکارات درصدد یاری به کودکان کارگر بخش غیر رسمی شهری برآمده‌اند، هر چند ابتکاراتی نیز در مناطق روستایی در مورد کودکان کارگر خانگی صورت پذیرفته است.

پروژه‌های شهری عبارتند از:

طرح‌های تغذیه، سرپناه شبانه، برنامه‌های سوادآموزی و برخی اقدامات

خطیر دیگر. در برخی پروژه‌ها نیز تلاش شده به خانواده کودکان کارگر یاری رسانده شود. در عین حال که این پروژه‌ها فضایی را برای پیشرفت در زندگی کودکان کارگر فراهم می‌آورند، این طرحها بر آن کودکانی تمرکز دارند که آشکارا در خیابان کار می‌کنند و بر برنامه‌های تغذیه نیز بیش از این اندازه تأکید می‌کنند.

افزایش آگاهی عمومی

این نکته طیف گسترده‌ای از فعالیتها را دربر می‌گیرد که عبارتند از: ارتقاء آگاهی کودک از خطرات کار، بالا بردن آگاهی والدین از زیان به سرمایه انسانی که از کار کودکان ناشی می‌شود، و دگرگون ساختن تأکید سیاستگذاران.

ارتقاء آگاهی بیشتر، به همکاری میان اجتماعات محلی، سازمانهای غیرحکومتی، و حکومتها منجر می‌شود تا بر کارفرمایان فشار آورند. هر چند توافق گسترده‌ای در خصوص این رهیافت وجود دارد، اما اینکه این رهیافت بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر قرار می‌گیرد حائز اهمیت می‌باشد. فشار آوردن تنها بر کارفرمایان این معضل را حل نمی‌کند مگر اینکه منابع درآمدی جایگزین برای خانواده‌های متأثر ایجاد گردد. به همین ترتیب، افزایش آگاهی در کشورهای توسعه یافته در مورد مسایل کار کودکان در کشورهای جهان سوم می‌تواند به خواسته‌هایی جهت اقدام نامناسب علیه کشورهای بی‌انجامد که در آنها کار کودکان معضلی جدی است و توجه کافی به پیامدهای آن برای خود کودکان کارگر صورت نگیرد.

قانونگذاری و تنظیم مقررات

همچنانکه پیشتر ذکر شد، بیشتر کشورها قوانین و مقرراتی درباره کار کودکان دارند، اما غالباً اجرای آنها با ضعف صورت می‌پذیرد. این نکته بطور روزافزونی به رسمیت شناخته می‌شود که در اوضاع و احوال بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اجرای سخت‌تر و سراسری مقررات می‌تواند به آنانی که قصد حمایت از آنها در میان است زیان برساند، زیرا درآمد خانواده‌های فقیر را کاهش می‌دهد و کودکان کارگر را به اشکال پنهان و خطرناک‌تر اشتغال وادار می‌سازد. اگر حقوق بازرسان کار پایین باشد، آنگاه احتمال رشوه‌خواری و اجرای صلاح‌دید مقررات به خطری واقعی بدل می‌گردد. قوانین هنگامی بهترین کارکرد را دارند که با روند کنونی متناسب داشته باشند. در اروپا، اشتغال کودکان در کارخانه‌ها هنگامی فروکش کرد که کارفرمایان به نفع خود یافتند که ۵۰ سال پیش از طرح مقرراتی در این باره، به بزرگسالان روی آورند.

راه حل جایگزین، متمرکز ساختن اجرای مقررات تنها بر ابعاد بسیار تحمل‌ناپذیر این معضل می‌باشد، همچون کودکانی که در شرایط خطرناک کار می‌کنند، روسپی‌گری کودکان، و بیگاری. این امر مستلزم حساس شدن بازرسان و پلیس در قبال ماهیت کار کودک و تمایل به تعقیب کیفری کارفرمایان تبهکار می‌باشد.

رفع کار کودک از راه وسایل غیر اجباری

جدا از تدابیر مقرراتی، ساز و کار اصلی پیشنهادشده برای رفع کار کودک، تدابیر

غیر وام دهی از راه انجام اصلاحات در برخی رویه‌های اجرایی می‌باشد. این فعالیتها در زمینه استراتژی کمک به کشورها در کشورهایی صورت خواهد پذیرفت که در آنجا کار زیان‌بار کودکان به منزله معضلی جدی است. بانک می‌تواند با دادن برجستگی بیشتر به نگرانی خود در گفتگویش با حکومتها در این زمینه یاری رساند و نیز با تخفیف شرایطی که کار کودکان را مجال می‌دهد و همچنین تقویت اجرای مقررات علیه رویه‌های وخیم کار کودک، نقش خود را به انجام برساند. از آنجا که فقر یک عامل عمده کار کودکان می‌باشد، تاکید مستمر بانک بر کاهش فقر به شرایطی یاری می‌رساند که فشارهای منجر به راندن کودکان به کار را تخفیف می‌دهد. در همان حال، یاری رساندن به کودکانی که درگیر فعالیت‌های کاری زیان‌آور هستند به خودی خود اقدام مفید دیگری در جهت کمک به فقر می‌باشد.

بسیاری از کوششهای بانک در زمینه آموزش، بهداشت و جمعیت به کاهش رویداد کار کودک و آثار زیان‌بار آن بطور مستقیم تری یاری می‌رساند. درحالی که می‌توان فعالیت‌هایی همچون ابتکار بانک جهانی را که اخیراً بر فعالیت‌های مربوط به کودکان در زمینه بهداشت و آموزش نظارت می‌کند با بسط آنها به گونه‌ای که مسائل مربوط به کار کودک را نیز دربر بگیرد تقویت کرد. بالا بردن سطح آگاهی کارکنان بانک نسبت به گستره این معضل و شیوه‌های مبارزه با کار کودک برای تلاشهای بانک در این زمینه نقش حیاتی دارد. ابتکارانی چند هم‌اکنون در دست اقدام است و یا در حال گسترش یافتن است تا مسائل کار کودک را نیز مخاطب قرار دهد.



کار کودک در کشورهای طرف شروط اجتماعی یا طرحهای برجسب‌زنی می‌تواند کاملاً غیرقابل نظارت باشد و بدین ترتیب این تدابیر را ناکارآمد سازد. دیگر اقداماتی که به رفع مستقیم کار کودک هدف گیری شده شامل نجات کودکان واقع در شرایط وخیم توسط سازمانهای غیرحکومتی و ایجاد اردوگاههای انگیزشی می‌باشد. در این اردوگاهها کودکان کار را ترک می‌گویند و بصورت مقيم مدت زمانی در تحصیل غیر رسمی و اماکن تفریحی حضور می‌یابند. درحالی که همگی اینها اقدامات بزرگ و ارزشمندی هستند، این نکته حائز اهمیت است که این اقدامات باید با طرحهای مربوط به ارائه منابع درآمدی جایگزین به کودکان و خانواده آنها ترکیب شوند.

نقش بانک جهانی

بانک جهانی به چندین شیوه می‌تواند در کاستن از کار کودکان یاری رساند و شاید به روند آن شتاب بخشد، از جمله این شیوه‌ها بکارگیری فعالیت‌های وام دهی و

مربوط به تجارت می‌باشد همچون مجازاتهای تجاری، تحریمهای مصرف کنندگان، مشروطهای اجتماعی و طرحهای تصدیق نامه دادن و برجسب مشکلاتی چند در مورد این رهیافت وجود دارد. نخست، اگر همچنان که معمولاً پیش می‌آید، صادرات تولید شده در بخش رسمی فرآورده‌هایی باشند که بیش از همه مورد برخورد تدابیر تجاری قرار می‌گیرند، نتیجه این می‌شود که کودکان کارگر به بخش غیررسمی رانده خواهند شد، در بخش غیررسمی نیز شرایط کار بدتر می‌باشد. دوم، احتمالاً کشورهای کوچک بیشتر هدف این اقدامات قرار می‌گیرند. زیرا نگرانیهای بین‌المللی درباره اثرات جهانی تحریمها بر کشورهای بزرگ بیشتر است. سوم، ممکن است وضع تحریمها چیزی بیش از پوششی برای آنانی که می‌خواهند اقدامات تجاری حمایتگر امدادی را در کشورهای توسعه یافته انجام بدهند نباشد و نیز ممکن است به گونه‌ای صلاح‌دیدنی اجراء شود که در این صورت سود اندکی در زمینه

ابتکارات وام دهی

تأکید بر برنامه‌های وام‌دهی در کشورهای تحت تأثیر را می‌توان مورد بازنگری قرار داد تا تأثیر بیشتری در کاهش رویداد کار زیان‌بار کودک داشته باشد. این کار در کشورهایی که دستیابی به هدف آموزش ابتدایی همگانی در آنجا سالها به طول می‌انجامد بسیار مناسب دارد. بازنگری در تأکید عبارتست از باز طراحی فعالیتهای وام‌دهی متعارف و نیز اجرای پروژه‌ها یا پروژه تازه‌ای که مشخصاً بر کاهش انگیزه‌های کار زیان‌بار کودک هدفگیری شود. پروژه‌های آموزش ابتدایی منطقه‌ای در هند گسترش داده می‌شوند تا کودکان کارگر را نیز مورد توجه قرار دهند.

هم اکنون در فعالیتهای وام‌دهی سنتی بر مسائل کار کودک تأکید بیشتری صورت می‌گیرد. برای نمونه، در پروژه‌های آموزشی، افزایش انعطاف پذیری مدارس (همچون شیفت شبانه سوم که در مدارس پرو مطرح شده یا ساعات مدارس که بسته به فصل در نواحی کشاورزی تغییر می‌کنند همچون در کلمبیا) از بازماندن کودکان از تحصیل بخاطر وجود درخواستهای تمام‌وقت برای کار آنها جلوگیری می‌کند. این اقدامات ثبت نام در مدارس را افزایش می‌دهد اما همچنین از کودکان تا اندازه‌ای که به آنها مجال داشتن تماس با مدرسه را بدهد می‌کاهد و از اینکه آنان به ترک تحصیل کنندگانی کامل و اعضای تمام‌وقت (و اغلب کم‌بهره) نیروی کار بدل شوند جلوگیری می‌کند. پروژه‌های یکپارچه پرورش کودکان در هند به

تقویت آموزش پیش مدرسه‌ای می‌پردازند تا بر امید کودکان به ادامه تحصیل در مدرسه بیفزایند، همچنین یک پروژه دنباله‌دار پرورش زنان و کودکان در حال گسترش است تا تدابیری را جهت توجه به کار کودک در برگیرد. در پروژه‌های آینده عناصری مورد بررسی قرار می‌گیرند تا به خانواده‌های دارای کودکان کارگر یاری رساند و وسایل کاهش مستقیم کار زیان‌بار کودکان شناسایی شود.

فعالتهای غیر وام دهی

همچنین حوزه‌هایی چند وجود دارد که بانک می‌تواند در آنجا توجهش به کار کودک را در فعالیتهای غیر وام‌دهی خود بیفزاید، این نکته بطور خاص در آن کشورهایی برجستگی می‌یابد که کار کودک در آنجا معضلی جدی است و برای نمونه، بخش مهمی از کل عرضه کار را تشکیل می‌دهد یا نشانگر بخش قابل توجهی از جمعیت کودکان می‌باشد.

در گفتگوی بانک با کشورها، تأکید بیشتری بر مسائل کار کودک صورت خواهد گرفت، تا به حکومتها کمک شود پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آنها را کشف و درک کنند. این گفتگو بالا بردن آگاهی در میان مقامات حکومت و سیاستمداران و نیز دیگر بازیگران مهم را درخصوص اشتغال خطرناک و زیان‌بار کودکان مورد توجه قرار خواهد داد. این نکته از این لحاظ حائز اهمیت است که کارآمدی مداخلات نهایتاً به وجود اتحادی اجتماعی علیه کار زیان‌بار کودکان بستگی خواهد داشت. منطقه

آسیای جنوبی بانک جهانی یک گروه مشورتی غیررسمی در زمینه کار کودک ایجاد کرده است که کارکنان بانک، سازمانهای غیرحکومتی، و دیگران را گرد هم آورده و شراکتی را با یونیسف در باره این موضوع تشکیل داده است. برنامه‌هایی که هدف بهبود در رفاه کودکان کارگر را دنبال می‌کنند نمی‌توانند موفقیت‌آمیز باشند مگر اینکه بر دانش نسبتاً دقیقی از اندازه، ماهیت و آثار کار کودک، نیازها، محدودیتهای، و فرصتهای گروه هدف (یعنی خود کودکان و نیز خانواده‌شان) مبتنی باشد.